



# ایمان و خلوص، او را خستگی ناپذیر کرده بود...

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی

حسین می کردند و کسی جرئت گفت حق را و واقعیات و حقایق اسلامی را نداشت و تقریباً دو ماه در منطقه خوزستان به افشاگری و مبارزه بیانی در برابر رژیم سفاک پرداخت. در آن روزگار کسی جرئت نمی کرد عکس امام خمینی را در مجامع عمومی نصب نماید یا ظاهر کند، روزی در یکی از مساجد آبادان با اصرار تصمیم گرفتند که باید عکس امام فردا در آن مسجد نصب شود لذا تا فردای آن روز یک عکس تمام قد از امام خمینی تهیه نمودند و در پیش چشم صدها پلیس که برای جلوگیری از این موضوع مسجد را محاصره کرده بودند، عکس به مسجد آورده شد و بر دیوار مسجد نصب گردید. آن مرحوم در این مورد احساسات مردم را به راه اندازی تحریک و متحرک کرده بود که پلیس رژیم سفاک جرئت اظهار وجود و جلوگیری پیدا نکرد که هنوز هم در شهر آبادان این موضوع را یکی از نشانه های شهامت مرحوم دکتر مفتاح به شمار می رود و زیانزد مردم آن مرز و بوم است.

در خطبه های نماز عید فطر سالهای ۵۶ و ۵۷ استاد مفتاح نام رهبر بزرگ انقلاب اسلامی ایران امام خمینی را با صراحت برد و مردم را به مقام رهبری و نقش آن مرجع بزرگ در ایجاد تحول در ابعاد گوناگون اجتماعی مسلمان متوجه کرد و در مسجد قبا که یکی از نقاط حساس تهران بود خصوصاً در سال ۵۶ که خمودی و سکوت در نتیجه فشار خفگان آور حاکم بود آن مسجد پایگاهی برای مبارزه و تجمع مجاهدان و مبارزات انقلاب محسوب می شد.

برگرفته از گفت و شنود منتشر نشده توسط  
حجت الاسلام دکتر حمید صبری



ایشان استفاده کنند. ۴. استاد دکتر مفتاح همواره بر اثر ایمان و اخلاصی که داشت در راه انجام وظایف اجتماعی و مذهبی هرگز خستگی به خود راه نمی داد. لذا علاوه بر اشتغالات دیگر هبیتی را در قم به منظور تحقیق و بررسی مسائل اسلامی تأسیس کرد. هیئت مذکور زیر نظر آن مرحوم به تالیف و ترجمه کتابهای متعددی از قبیل با ضعف مسلمین، دنیا در خطر سقوط شیعه، زمامداران خودسر و نقش کلیسا در ممالک اسلامی و... اقدام کرد.

۵. حضرت استاد مفتاح بیان روان و رسائی مخصوصاً در تدریس داشت. لذا در حوزه علمیه قم سالیان دراز به تدریس فقه و اصول به ویژه فلسفه اشتغال داشته که هم اکنون افراد بسیاری که از خرمن علم فضیلت آن استاد خوشه چینی کرده اند و در حوزه های علمی به این موضوع مفتخر و مباهی می باشند.

۶. مرحوم دکتر مفتاح از لحاظ ایراد و خطابه و فن سخنرانی نیز دارای امتیاز قابل توجهی بودند. آن مرحوم برای ادای این وظیفه حساس و حیاتی به شهرهای مختلف ایران مسافرت نموده و افراد بسیاری در پرتو روشنگری و ایراد خطبه های ایشان به راه اسلام راستین گام نهاده و از معارف اسلامی بهره مند شدند.

۷. یکی از امتیازات استاد شهید مفتاح موضوع جهاد و مبارزه ایشان با رژیم طاغوتی است. آن مرحوم از نخستین روزی که طرح انقلاب اسلامی و معمار جمهوری عدل اسلامی رهبر بزرگ انقلاب امام خمینی (رض) پرچم انقلاب را به اهتزاز در آورد. پشت سر آن رهبر بزرگ با قلم و بیان خود در راه ادای این وظیفه خطیر گام برداشت. ایشان در سال ۱۳۴۲ در مسافرتی به آبادان، در آن زمان که ژانهای حق را می بریدند و قلمها را می شکستند و نفسها را در سینه ها



آیت الله العظمی آخوند ملا علی محمدی همدانی

در سال ۱۳۲۱ شمسی، برای فراگیری ادبیات و صرف و نحو وارد مدرسه علمیه همدان، مدرسه مرحوم آخوند، شدم، پدرم که یکی از علمای همدان بودند، مرا نزد آیت الله العظمی آخوند ملا علی همدانی بردند و به ایشان پیشنهاد کردند که حجره ای در مدرسه در اختیارم بگذارند. مرحوم آخوند فرمودند: «صبر کنید تا هم حجره مناسبی از لحاظ استعداد و هوش... در نظر بگیریم، تنها تعیین حجره کافی نیست». بعد از دو سه روز که همراه پدرم خدمتشان رفتم، فرمودند: «یک هم حجره ای مناسب از لحاظ هوش و ذکاوت و تقوی و اصالت خانوادگی برایش در نظر گرفته ایم.» من به مدرسه به آن حجره رفتم، وقتی به حجره وارد شدم، چشمم به چهره ای که از سیمایش آثار ذکاوت و هوش نمایان بود، افتاد. او خود را به من معرفی کرد و گفت من محمد مفتاح، پسر حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمود مفتاح هستم. از آن تاریخ پیوند رفاقت و مصاحبت میان ما برقرار شد. با هم درس می خواندیم و در دروسی که لازم بود، شرکت و میاحته می کردیم. تقریباً تا حدود یک سال به همین ترتیب با هم حجره و هم درس و هم بحث بودیم تا این که من به قصد ادامه تحصیل از همدان به قم آمدم. ایشان که به قم آمدند، در آنجا هم مدت ها هم میاحته بودیم، تا اینکه در سال ۱۳۲۵، سطوح عالی را نزد اساتیدی از قبیل مرحوم آیت الله شیخ محمد مجاهدی و آیت الله سید محمد باقر سلطانی تمام کرده و در درس خارج آیت الله سید محمد داماد، آیت الله العظمی بروجردی و درس منظومه علامه طباطبایی شرکت می کردیم. اما برخی از نکاتی که در زندگی حجت الاسلام مفتاح جالب بود عبارتند از: ۱. محاسن اخلاقی، نجابت خانوادگی، هوش و استعداد ذاتی آن مرحوم که به راستی از لحاظ معاشرت و رعایت آداب مصاحبت و مجالست به طوری بر موازین اسلامی استوار بود که نظیر آن را کمتر می توان یافت. اینکه می بینیم در بسیاری از شهرهای ایران علاوه بر حوزه ها و محافل علمی دوستان و آشنایان بسیاری دارند که از فقدان ایشان متأثرند و اشک می ریزند و اظهار ناراحتی می کنند. رمز همه این محبت ها همان محاسن اخلاقی و شخصیت اجتماعی آن مرحوم می باشد.

۲. پشتکار و استقامت آن مرحوم در مراحل مختلف تحصیل حقاً شایسته اعجاب و تحسین بود. آن استاد بزرگ در موقع تحصیل جز به فرا گرفتن علم و دانش برای هیچ موضوعی اهمیت قائل نبود. یکی از نشانه های استقامت و ثبات قدم ایشان در راه تحصیل این بود که در قم در عین حال که اشتغال به تحصیل و تدریس داشت به تهران هم برای این منظور رفت و آمد می کرد تا علاوه بر رسیدنامه اجتهاد به تحصیل درجه دکتری نیز نائل آمد و در رشته فلسفه درجه دکتری گرفت.

۳. علاوه بر داشتن مقام شامخ علمی، آن استاد شهید دارای قلمی روان و توانا بود به طوری که در ضمن تحصیل و تدریس مقالات بسیاری در مکتب اسلام نوشت کتابهای متعددی از قبیل روش اندیشه، تفسیر شریف مجمع البیان می توان نام برد. مسلماً نوشته های دیگری وجود دارد که هنوز چاپ نشده است و امید است که به توفیق خداوند بازماندگان آن مرحوم در این مورد همتی به خرج دهد و به طبع آنها اقدام کنند تا اجتماع از اندیشه های ارزنده